



فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی

سال اول • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۶

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 1, No. 3, Autumn 2017

تحلیل کُد اخلاقی «محبت» در آئین کاتولیک

سید اکبر حسینی قلعه بهمین*

چکیده

نظام اخلاقی سامانه‌ای است که بر پیروان خود حاکم می‌شود و رفتار و اوصاف اختیاری آنان را در روابط چهارگانه‌شان (رابطه با خود، خداوند، دیگران و محیط زیست) تنظیم می‌کند و سامان می‌دهد. هر نظام اخلاقی، در درون خود عناصر و اجزایی دارد که کدهای اخلاقی از اصلی‌ترین عناصر نظام‌های اخلاقی تلقی می‌شوند. کُد اخلاقی محبت، اصلی‌ترین دستور اخلاقی در نظام اخلاق مسیحی و کاتولیک است. این اصل حاکی از آن است که آدمیان باید به خداوند، خود و دیگران - بدون در نظر گرفتن پاداش - محبت کنند. به اعتقاد پیروان آئین کاتولیک، این اصل اخلاقی، انسان را از برده بودن خارج ساخته و او را به مقام فرزند خدا می‌رساند. شادی و صلح میان انسان‌ها نیز از فواید و مزایای این کد اخلاقی دانسته شده است. در این نوشتار، در گام نخست، کُد اخلاقی محبت با بهره‌گیری از منابع دینی در آئین کاتولیک طرح و تبیین می‌شود و در ادامه، تحلیل و نقد می‌شود.

کلیدواژه‌ها

اخلاق مسیحی، کدهای اخلاقی، کُد اخلاقی محبت، اصل اخلاقی، قاعده اخلاقی.

* دانشیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران | akbar.hosseini37@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۸ □ تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۱/۲۳

کُد اخلاقی دستورالعمل اجرایی یک آموزه یا قاعده اخلاقی است. شاید در حالت عادی، اجرای یک اصل یا قاعده اخلاقی ساده به نظر برسد، اما با کمی دقت گره‌ها و ابهامات آن در مرحله عمل رخ می‌نماید و کار را برای رعایت آن دشوار می‌سازد. کُد اخلاقی در ادبیات اخلاقی داری سه معناست: الف) نظام اخلاقی؛ ب) اصول و قواعد اخلاقی؛ ج) آئین‌نامه اجرایی اصول و قواعد اخلاقی. نظام اخلاقی، سامانه‌ای است که بر پیروان خود حاکم می‌شود و رفتار آنان را در روابط چهارگانه (رابطه انسان با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت) در جهتی خاص هدایت کرده و سامان می‌دهد (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴: ۱۱۳-۱۳۰).

اصول و قواعد اخلاقی، تحسین‌ها و تقبیح‌ها و یا بایدها و نبایدهای اخلاقی‌ای هستند که برای تنظیم رفتار آدمیان و اوصاف اختیاری آنان در نظام اخلاقی تعبیه شده‌اند. پایه‌ای‌ترین این امور که هیچ‌گاه در آن نظام اخلاقی استثنا نمی‌خورند و همیشه حتی در تعارضات اخلاقی پا برجا هستند، به عنوان اصول اخلاقی در داخل آن نظام شناخته می‌شوند و آن تحسین‌ها و تقبیح‌ها و یا بایدها و نبایدها که گاهی در مقام عمل در تعارض با اصول و قواعد مهم‌تر استثنا می‌خورند، قواعد اخلاقی‌اند، اما کُد اخلاقی به معنای سوم، یعنی دستورالعمل اجرایی اصول و قواعد اخلاقی، به جهت کاربردی بودن، دارای ارکان و اجزائی است؛ از جمله: پیشینه آن اصل یا قاعده اخلاقی، منشاء صدور آن اصل یا قاعده اخلاقی، قاعده یا اصل بودن آن، مشوق‌ها برای اجرای آن اصل و یا قاعده، ضمانت اجرای آن‌ها، توضیح و تبیین واژگان موجود در کُد، لوازم اجرای آن کُد اخلاقی، چالش‌ها و تعارض‌های کُد اخلاقی مذکور و ارائه راه‌حل آن چالش‌ها. البته، لازم به ذکر است که کُد اخلاقی به معنای سوم، همان اصل و یا قاعده اخلاقی (کُد به معنای دوم) است که دستورالعمل اجرایی برای آن نوشته شده است.

در این نوشتار، در صدد واکاوی و بررسی «کُد اخلاقی محبت» در اخلاق مسیحی کاتولیک هستیم و البته، ضمن ترسیم این اصل، به برخی نکات قابل بررسی در آن اشاره نماییم و البته، پیش از ورود به بحث، لازم است به چند نکته اشاره کنیم.

۱. تحلیل و بدست آوردن کُد اخلاق، نیازمند غور در متون و منابع حجیت در دین و آئین مورد نظر است. این مهم در واقع، کاری تحلیلی است و توصیف محض یک اصل و یا قاعده اخلاقی نیست.

۲. دلیل انتخاب آئین کاتولیک در تحلیل اخلاق محبت به دو جهت است؛ نخست آن که

مسیحیت کاتولیک یکی از پر جمعیت‌ترین آئین‌های دنیاست و پیروان بسیار زیادی را به خود جذب و جلب کرده است؛ دوم آن که این آئین، در فرآیند تبلیغی خود، بر «کُد اخلاقی محبت» بسیار تکیه دارد و از این جهت لازم است تا این اصل تبیین، نقد و بررسی شود.

۳. نظام اخلاقی کاتولیک، به طور غالب، از نظر نظریه ارزش، یک نظام غایت‌گراست؛ (منسکی و دیگران، ۱۳۷۸: ۳۲۷-۳۲۹). هر چند در دیدگاه‌های اختلافی آنان، گاه فضیلت‌محوری یا وظیفه‌گرایی هم در میان پیروان این آئین دیده می‌شود. مهم‌ترین اصل اخلاقی در این نظام، بی‌تردید «اصل محبت» است و از این اصل، سایر قواعد اخلاق نیز استنتاج می‌شود. قواعدی همچون حلم، مهربانی، تواضع، پرهیزگاری و... (منسکی و دیگران، ۱۳۷۸: ۳۳۸). در نظام اخلاقی مسیحیت کاتولیک، مشوق‌ها و ضمانت‌های اجرای گوناگونی دیده می‌شود که خود مجال مفصل می‌طلبد.

هنگام شکل دادن به یک کد اخلاقی، نخستین گام معرفی عنوان آن است. کُد اخلاقی محبت، در کتاب تعالیم کلیسای کاتولیک، این‌گونه آمده است:

... محبت فضیلتی الهی است که ما با آن خدا را فوق هر چیزی و برای خودش و هم‌نوع را چون خودمان به عشق خدا دوست می‌داریم (برن و هولدن، ۱۳۹۴: ۵۰۴).

جرج برانتل نیز در کتاب آئین کاتولیک، گفته است: «این محبت عبارت است از وفاداری به دیگران همراه با اشتیاق کامل به قربانی کردن خود برای دیگران» (برانتل، ۱۳۸۱: ۲۰۴).

اکنون، در به تصویر کشیدن «اصل اخلاقی محبت»، به دو شکل ارزشی و الزامی می‌توان پیش رفت. شکل ارزشی آن عبارت است از: «محبت کردن به خدا و انسان‌های دیگر، اخلاقاً خوب است» و شکل الزامی آن: «انسان‌ها باید به خدا و یکدیگر محبت ورزند» است.

پیشینه کُد اخلاقی محبت

شایان ذکر است که در این جا تنها پیشینه و ریشه کُد اخلاقی محبت، تنها در آئین کاتولیک بررسی می‌شود و به پیش از آن اشاره نمی‌شود.

آثار کُد اخلاقی محبت در جهان مسیحی در فرهنگ یونانی و دوره پیش از سقراط و افلاطون نیز دیده می‌شود. اخلاقی که مبتنی بر کُد اخلاقی محبت است، با نام «اخلاق محبت» شناخته می‌شود. اخلاق محبت به‌طور ویژه و گسترده (مخصوصاً در حوزه‌های یهودی - مسیحی)، هنوز



هم رایج است. بنابر اخلاق محبت، تنها یک دستور اخلاقی اساسی وجود دارد: دوست داشتن و باید دیگر دستورات را از آن گرفت (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۱۲۷).

در عالم مسیحی که این کد بیش از همه جا در آن برجسته شده است، اولین نشانه آن را می‌توان در بیانات حضرت عیسی (ع) در انجیل مرقس دید. عیسی (ع) در پاسخ به این پرسش که اولین حکم در مسیحیت چیست؟ می‌فرماید: اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل یهوه خدای ما یهوه واحد است (مرقس، ۱۲: ۳۰). این حکم یک باور است و یک اعتقاد، اما در ادامه حکمی هنجاری را به عنوان نخستین حکم اخلاقی پیش می‌کشد:

... (۳۰) و یهوه خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما که اول از احکام این است. (۳۱) و دوم مثل اول است که همسایه خود را چون نفس خود محبت نما. بزرگتر از این دو حکمی نیست (مرقس، ۱۲: ۳۱-۳۲).

در انجیل یوحنا نیز در باب محبت آمده است:

... (۹) همچنان که پدر مرا محبت کرد من نیز شما را محبت نمودم در محبت من بمانید. (۱۰) اگر احکام مرا نگاه دارید در محبت من خواهید ماند چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبت او می‌مانم. (۱۱) این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد. (۱۲) این است حکم من که یکدیگر را محبت نمایید همچنان که شما را محبت نمودم. (۱۳) کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را بجهت دوستان خود بدهد. (۱۴) شما دوست من هستید اگر آنچه به شما حکم می‌کنم بجا آرید (یوحنا، ۱۵: ۹-۱۴).

پس از عیسی (ع)، پولس که شخصیتی بسیار تأثیرگذار در مسیحیت است نیز کد اخلاقی محبت را به تصویر می‌کشد. وی در رساله به قرنتیان چنین می‌آورد:

محبت حلیم و مهربان است، محبت حسد نمی‌برد، محبت کبر و غرور ندارد (۵) اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود، خشم نمی‌گیرد و سوءظن ندارد. (۶) از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد، ولی با راستی شادی می‌کند. (۷) در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌کند در همه حال امیدوار است و هر چیز را متحمل است (قرنتیان، ۴: ۷).

پس از پولس، الهی دانان بزرگ مسیحی همچون آگوستین و آکوئیناس نیز بر مدار این کد اخلاقی قرار گرفتند و آن را به عنوان اصلی اولیه در نظام اخلاقی مسیحی معرفی کردند.

آگوستین به جد از بنیان‌گذاران ایده اخلاق محبت در مسیحیت است. اصل محبت اگر تا پیش از وی به مثابه یک فرمان اخلاقی دیده می‌شد؛ اما در کلام وی از جایگاه بلند خود برخوردار شد. انگاره سقوط بشر که حاکی از سرشت و مقام پاک اولیه انسان مخلوق خدا دارد و تنزل وی بسبب عصیان و گناه (Augustine, 2005, 3: 38) را نشان می‌دهد، در ادبیات آگوستین سرمنشاء افکار بسیاری شده است. نزد آگوستین، گناه اولیه، گناهی است که موجب شده همه آدمیان گناه‌کار شوند و هیچ استثنایی در این راه برای هیچ احدی نیست. با این گناه همه آدمیان از شکوه و جلال خداوند باز خواهند ماند و کسی را به این درگاه راهی نخواهد بود. انسان گناه‌کار، برای بازگشت به درگاه الهی نیازمند جبران و بازخرید گناه خویش است و از آنجا که این گناه دامن همه آدمیان را گرفته است، همه آنان نیازمند این بازخرید هستند (Augustine, 2005, 4: 12: 51). به اعتقاد او، این سقوط و گناه غیر قابل جبران نیست و انسان ظرفیت نجات و رستگاری را دارد، اما مشکل اینجاست که بشر با توانایی‌های خودش نمی‌تواند حصار گناه اطراف خود را بشکند و به درگاه الهی وارد شود (Augustine, 2005, 4: 12: 52).

با این تفسیر، همه انسان‌ها از گناه صدمه خورده‌اند و همه آنها ظرفیت بازخرید گناه را نیز دارند و همه نیز نیاز به این بازخرید دارند، اما نمی‌توانند. آگوستین از این فراز پای عشق و محبت خدا را به مخلوق لغزش یافته خود باز می‌کند و بر این باور است که خداوند با عشق و محبت خود به انسان، خود را در شخص حضرت عیسی (ع) مسیح در شرایط انسان سقوط کرده قرار داده تا کفاره گناه او شود و گناه آدمی بازخرید شود. این بازخرید، هدیه الهی است و مرهون محبت و عشق الهی به انسان مخلوق خداست (مک‌گراث، ۱۳۸۱، ج ۱: ۶۵-۶۲).

به دیگر سخن، صلیب مسیح، نماد نجات مسیحیان، نیز دعوت به قربانی محبت بخش است. قربانی‌ای که ممکن است تلخ و دشوار باشد، در صلیب متجلی و تبدیل به نوعی فدا می‌شود که نوع برتری از محبت است. در قربانی انسان قدیم عریان می‌شود، مسیحیان در صلیب با قربانی و محبت انسان جدید که همان مسیح است هویت می‌یابند (برانتل، ۱۳۸۱: ۲۱۲). با این تبیین، آگوستین محبت خداوند را هدیه ذات باری تعالی به بشر معرفی می‌کند و ایده اخلاق محبت از این فراز شکل جدی‌تری به خود گرفت و تا امروز به عنوان اصلی‌ترین گد اخلاقی در اخلاق مسیحی و کاتولیک شناخته شده است.

بر این اساس، گد اخلاقی محبت در عالم مسیحیت جایگاهی ویژه یافت و به عنوان اصلی‌ترین گد اخلاقی در خور توجه و تحلیل واقع شد. البته، در کنار محبت دو اصل و فضیلت



دیگر هم قرار دارد با عنوان «ایمان» و «امید» که هر سه را با عنوان «فضایل الهیاتی» در مسیحیت و به‌ویژه مسیحیت کاتولیک معرفی کرده‌اند.

منبع صدور کُد اخلاقی محبت

بی‌تردید اصلی‌ترین منبع برای کُد اخلاقی محبت در مسیحیت، کتاب مقدس و تعالیم برگرفته از آن - چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم - است. شاید نخستین تعبیری که می‌توانیم از آن کُد اخلاقی محبت را استخراج کنیم، عبارت حضرت عیسی (ع) است که می‌فرماید:

... (۳۰) و یهوه خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما که اول از احکام این است. (۳۱) و دوم مثل اول است که همسایه خود را چون نفس خود محبت نما. بزرگتر از این دو حکمی نیست (مرقس، ۱۲: ۳۱-۳۲).

پولس نیز در رساله‌های مختلف خود به این کُد اخلاقی اشاره کرده است. برای مثال، در اول رساله قرتیان می‌گوید:

... (۱) اگر به زبان‌های مردم و فرشتگان سخن گویم و محبت نداشته باشم، مثل نحاس صدادهنده و سنج فغان‌کننده شده‌ام (۲) و اگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم به‌حلی که کوه‌ها را نقل کنم و محبت نداشته باشم هیچ هستم (۳) و اگر جمیع اموال خود را صدقه دهم و بدن خود را بسپارم تا سوخته شود و محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی‌برم (اول قرتیان، ۱۳: ۱-۳).

بنابراین، به‌سادگی قابل تشخیص است که ریشه اولیه این کُد اخلاقی در کتاب مقدس قرار گرفته است. البته، روشن است که این کُد در میان آباء کلیسا و اندیشمندان مسیحی توضیحات و تبیین‌های بیشتری یافته است که در ادامه، به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

اصل یا قاعده بودن کُد اخلاق محبت

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، هرگاه کُد اخلاقی به‌گونه‌ای باشد که در تمام موارد به آن عمل شود و هیچگاه نقض نشود، با یک اصل اخلاقی مواجه هستیم. کُد اخلاقی محبت، به قطع از اصول



اخلاقی ای است که هیچ‌گاه کنار گذاشته نمی‌شود. در تعالیم کلیسای کاتولیک آمده است:

... پولس رسول می‌گوید: «اگر... محبت نداشته باشم... هیچ هستم» هر قدر دارای افتخار، خدمت و فضیلت باشم، اگر... محبت نداشته باشم، هیچ سودی نمی‌برم». ... محبت از همه فضایل والاتر است. محبت نخستین فضیلت الاهی است: «حال این سه چیز باقی است، یعنی ایمان، امید و محبت، اما بزرگ‌تر از این‌ها محبت است» (اول قرنتیان، ۱۳: ۱۳) (برن و هولدن، ۱۳۹۴: ۵۰۴).

همچنین در فراز دیگری از همین کتاب آمده است: «۱۸۲۷. عمل به همه فضایل به واسطه محبت پویا و تقویت می‌شود؛ محبتی که «کمر بند کمال است» (کولسیان، ۳: ۱۴). محبت صورت فضایل است و آنها را با هم پیوند می‌دهد و به آنها نظم درونی می‌بخشد؛ محبت منشأ و هدف عمل کردن مسیحیان به فضایل است. محبت توانایی ما برای دوست داشتن را تقویت و ترکیه می‌کند و آن را تا حد کمال ملکوتی عشق الاهی بالا می‌برد (برن و هولدن، ۱۳۹۴: ۵۰۵). با توجه به نکات پیش گفته و مطالب فراوان دیگری که در این زمینه وجود دارد، کُد اخلاقی محبت، یک اصل اخلاقی غیر قابل نقض در اخلاق مسیحی و کاتولیک است.



ضرورت اجرای کُد اخلاقی محبت

در اخلاق مسیحی، رسیدن به خود محبت، غایت و هدفی بسیار مهم تلقی شده است؛ تا آنجا که به اعتقاد آگوستین «خود محبت تحقق تمام اعمال ماست. هدف ما در آن است، دلیل حرکت ما این است. ما به سوی این هدف می‌دویم و چون رسیدیم در آن آرامش می‌یابیم» (برن و هولدن، ۱۳۹۴: ۵۰۵). در این تحلیل از آگوستین، اعمال انسان وقتی به نهایت کمال می‌رسند که در قالب و قامت محبت رخ عیان سازند و در چارچوب محبت دیده شوند. در نگاه آگوستین، محبت، علت غایی رفتار آدمیان است و در جهت رسیدن به محبت تمام کوشش‌های ما سامان می‌یابد. در نهایت نیز آدمی زمانی به آرامش می‌رسد که به محبت رسیده باشد. محبت، مبدأ و مقصد همه انسان‌هاست و انسان بدون لحاظ محبت نمی‌تواند به هیچ کاری دست بزند. همچنین، اهمیت کُد اخلاقی محبت به قدری است که گفته می‌شود:

... همه آدمیان به هدفی واحد فراخوانده شده‌اند که آن فقط خداست. شباهت مشخصی بین اتحاد اشخاص الوهی و اخوتی که آدمیان باید در راستی و محبت بین

خود برقرار سازند، وجود دارد. محبت به ممنوع از محبت به خدا جداناشدنی است (برن و هولدن، ۱۳۹۴: ۵۰۵).

محبت در میان انسان‌ها شبیه محبتی است که اقاییم (پدر، پسر و روح القدس) به یکدیگر دارند. همان‌طور که این اشخاص الوهی در محبت کامل به یکدیگر واقع شده‌اند، انسان‌ها نیز باید در چنین محبتی واقع شوند. این نقطه‌ای است که انسان و خدا به هم می‌رسند. البته، روشن است که وقتی آدمیان باید با هم به محبت رفتار کنند، در رابطه انسان و خدا نیز همین قاعده حکم فرمات. آیا پذیرفتنی است که انسان در رابطه خویش با دیگران محبت بورزد، ولی در ارتباط با خدا از محبت دور باشد؟ پس اصل محبت هم به خود فرد بازمی‌گردد، هم به رابطه میان فرد و دیگران و هم به ارتباط میان انسان و خدا.

همچنین، کُد اخلاقی محبت از ضروریات اخلاقی مسیحیت کاتولیک معرفی شده است. بنا بر آموزه‌های کلیسای کاتولیک، عمل به محبت فواید بسیاری برای انسان دارد و عمل به زندگی اخلاقی که محبت آن را حیات داده است، به مسیحیان آزادی معنوی فرزندان خدا را عطا خواهد کرد و دیگر در حضور خدا نه چون برده و با ترسی برده‌وار و نه چون مزدوری که در انتظار مُزد است، بلکه همچون پسری می‌ایستند و به محبت خدایی پاسخ می‌دهند که او «اول ما را محبت نمود» (اول یوحنا، ۴: ۱۹). در این نگاه، رعایت اخلاق و اساس آن که «کُد اخلاقی محبت» است این پاداش را دارد که انسان از یک برده تبدیل به فرزند خدا می‌شود (نک: برن و هولدن، ۱۳۹۴: ۵۰۵). شادی، صلح و بخشایش، در نگاه کلیسای کاتولیک، از فواید و مزایای کُد اخلاقی محبت معرفی شده‌اند. به باور مسیحیان کاتولیک، با محبت انسان‌ها از غم و اندوه‌رهایی پیدا می‌کنند و شادی در دل آنها جایگزین می‌شود؛ با محبت، نزاع‌ها خاتمه یافته و صلح در میان افراد، اقوام و ملل جاری می‌شود و عفو و بخشش میان انسان‌ها گسترش می‌یابد (برن و هولدن، ۱۳۹۴: ۵۱۲) و به بیان دیگر، عشق انسان به خود، به خدا و دیگران، بالاترین خیر برای انسان در نظر گرفته می‌شود:

... نکته محوری در تفاسیر سنتی از رابطه خدا - انسان این مدعاست که خدا عالی‌ترین خیر است و خیر آدمی نیز به همین منوال است. این تفاسیر اغلب دوست داشتن خود از روی شهوت را در برابر نیک‌خواهی نسبت به همه انسان‌ها قرار می‌دهند، عشق خدا داده شده به خود که با عشق، فرد به طور مناسبی خدا و دیگران را دوست خواهد داشت. در نیک‌خواهی، آدمی بالاترین خیرش به او داده شده است. بر این اساس، تلاش انسان در عشق به خدا، در همان حال، خیر خود انسان را در پی دارد ... (Weaver, 2003: 4-5).

البته، روشن است در تمامی این فواید و ضرورت‌ها، مهم رفتار بر اساس محبت است؛ بدون در نظر گرفتن پاداش و سود. این ثمرات زمانی تولید می‌شوند که عمل خالصانه و بدون توقع اجرا انجام گیرد. این نتایج، از آثار عمل بر اساس قاعده محبت است و نه انگیزه برای رفتار بر اساس محبت.

مفهوم‌شناسی عناصر کلیدی کد اخلاقی محبت

در کد اخلاقی محبت که انسان‌ها باید به خدا و یکدیگر محبت ورزند، رابطه سه‌گانه‌ای به تصویر کشیده می‌شود؛ (۱) رابطه خدا با انسان؛ (۲) رابطه انسان با خدا و (۳) رابطه انسان با دیگر انسان‌ها. در ادامه، به عناصر کلیدی آموزه و کد اخلاقی محبت، خواهیم پرداخت.

محبت

اصلی‌ترین واژه در کد اخلاقی محبت، واژه محبت است. درباره تعریف این واژه باید در نظر گرفت که محبت و عمل محبت‌آمیز عملی است که در آن منفعت شخص مورد محبت در نظر گرفته شود و شخص محبت‌دهنده نباید انتظار برگشت و جبران داشته باشد. آندرس نیگرن^۱ عشق و محبت را معادل «آگاپه یونانی» می‌انگارد و در ادامه، محبت را هدیه‌ای می‌داند که به طرف مقابل داده می‌شود، بدون این‌که انتظار بازگشت از او برود. این محبت و عشق کاملاً بی‌غرضانه است (Hauerwas & Wells: 393). در قالبی مشابه، سورن کی‌یرکگور مطرح می‌سازد که اوج و قلّه محبت و عشق مسیحی در محبت به شخص مرده قرار دارد؛ زیرا محبت محبت‌کننده قابل تلافی و جبران نیست (Kierkegaard, 1995: 347). اساساً در این تعریف، شخص محبت‌کننده لحاظ نشده است. این سبک آگاپه‌ای از محبت در کلام نیگرن و کی‌یرکگور بر بسیاری از اندیشمندان قرن بیستمی مسیحی و از جمله رینهلد نیبور- از مشهورترین اخلاقیون مسیحی- اثر گذاشته است. به عقیده نیبور، اخلاق مسیحی با این نگاه به محبت، اخلاقی است که عامل اخلاقی خود را باید قربانی کند؛ در این تفسیر عمل شخص تنها وقتی واقعاً بر اساس محبت است که منفعت شخص دیگری که مورد محبت قرار گرفته است، صرفاً در نظر گرفته شود و منافع شخص عامل لحاظ نشود. اخلاق محبت، با این تفسیر بی‌غرضانه است و به همین دلیل،



1. Anders Nygren

به صلیب کشیده شدن و مرگ عیسی (ع) بر روی صلیب به عنوان عمل صادقانه محبت‌آمیز توصیف شده است (Hauerwas & Wells: 393).

خداوند

مفهوم خداوند در مسیحیت معانی متعددی دارد، از جمله: خالقِ عالم و پدر مسیح، تثلیث پدر، پسر و روح القدس، و عیسی مسیح در ماهیت الهی اش» (Carmody & Carmody, 1983: 97). بر این اساس، اگر بخواهیم از خدا در این دین سخن به میان آوریم، ضروری است که در سه نقطه، درباره این تعابیر تأمل کافی کنیم و این مفهوم را در آنجا مورد دقت قرار دهیم: در معنای اول، خدا به‌عنوان خالق کل و سرچشمه هستی مورد نظر قرار می‌گیرد و عبادت و پرستش می‌شود. در تعابیر الهیات مسیحی این خدا اوصاف کمالی دارد و یکتاست.

معنای دوم خداوند در مسیحیت، مفهوم تثلیث^۱ است. تحلیل و تبیین رابطه میان عیسی و پدرش از یک‌سو و سپس تبیین و تحلیل ارتباط میان روح القدس^۲ و دو حقیقت دیگر (پدر و عیسی) موجب شکل‌گیری آموزه تثلیث در الهیات مسیحی شده است. این مفهوم، محوری‌ترین راز مسیحی است که آشکار کردن آن ناممکن و محال دانسته می‌شود.

سومین مفهوم از خداوند، عیسی تجسد لوگوس یا کلمه است. بنابراین، در تحلیل مسیحی، «عیسی» هم بُعد الهی دارد، هم بعد انسانی، و رستاخیز وی دلیل اصلی الوهیت اوست. به اعتقاد مسیحیان، تمام تعالیم عیسی (ع)، شفا دادن‌هایش و خوبی‌هایش، به آن بُعد الهی از وجودش اشاره داشتند و «از آنجا که پسر متجسد شده، به‌طور طبیعی کاملاً به سمت خدا جهت یافته است و به‌طور طبیعی کاملاً با روح القدس پر شده و تفسیر گشته بود» (Carmody & Carmody, 1983: 99). در کُد اخلاقی محبت، هر سه معنا از خداوند می‌تواند مورد لحاظ و توجه قرار گیرد و بایستگی محبت را هم می‌شود به خدای خالق گسترش داد، هم به تثلیث و هم به عیسی مسیح (ع).

انسان

در مسیحیت وقتی از انسان سخن به میان می‌آید، فرزندان حضرت آدم (ع) و حضرت حوا (ع) در نظر گرفته می‌شود. در این آئین، آدم ابوالبشر (ع) آدم و انسان اول معرفی می‌شود و حضرت عیسی (ع)



۱۰۰

1. trinity
2. the spirit

آدم ثانی. از این نگاه، انسان از حیث سرشت و ذات سه مرحله را طی کرده است. مرحله نخست، زمانی است که آدم و حوا خلق شده‌اند و در باغ عدن ساکن شدند. در این دوران طبیعت انسان پاک است؛ چون خداوند عالم آنها را در طهارت کامل آفریده و هیچ گناهی و کاستی‌ای در آنها نیست (پیدایش: ۱ و ۲).

مرحله دوم، از زمان عصیان آدم و حوا آغاز می‌شود و تا ظهور حضرت مسیح (ع) به طول می‌انجامد. در این دوران آدم و حوا مرتکب گناه نخستین شده‌اند و به سبب عظمت عصیان آنان، آفاتی نصیبشان شده است که آفت اول مرگ است؛ تا پیش از عصیان، مرگ برای انسان در نظر گرفته نشده بود. در اول قرتیان آمده است: «و چنان‌که در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت» (اول قرتیان، ۱۵: ۲۲)، یعنی با گناه آدم مرگ به انسان ارزانی شد. و نیز در رساله به رومیان آمده است: «للهذا همچنان که بوساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت و به اینگونه موت بر همه مردم طاری گشت از آنجا که همه گناه کردند» (رومیان، ۵: ۱۲). با این تبیین، مرگ اثر عصیان شخص آدم و حواست. آفت دوم از بین رفتن قداست و پاکی پیش از گناه آدمی بود. انسان گرچه مختار بود و می‌توانست گناه کند، ولی چون عصیان و گناهی نداشت در بهشت عدن به شکلی مقدس زندگی می‌کرد، اما گناه و عصیان آدم، آن پاکی را از بین برد و آدمی را موجودی ناپاک گردانید. آفت سوم، دچار شدن همه انسان‌ها به گناه اولیه و اصلی است.

امروزه موضوع گناه ذاتی و جبلّی از مباحث عمده و مهم الهیات و انسان‌شناسی مسیحی است. آفت چهارم دشمنی با خداست. به جهت این عصیان آدمیان در میانشان افرادی یافت می‌شود که با خدا عداوت و دشمنی دارند و این عداوت و دشمنی به سبب عصیان آدم در آغاز است.^۱

مرحله سوم، دوران پس از ظهور مسیح است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، انسان با گناه آدم دچار سقوط می‌شود و این سقوطش آنقدر سخت و سهمگین است که دیگر نمی‌تواند بر پای خود بایستد. در این هنگام است که خداوند مهربان، یگانه فرزند خویش را به عنوان کفّاره به زمین می‌فرستد تا تاوان گناه آدم باشد. به دیگر سخن، «و چنان‌که در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت» (اول قرتیان، ۱۵: ۲۲). بنابر آموزه‌های مسیحیت کاتولیک، مرگ مسیح بر صلیب، کفّاره است و موجب آشتی آدمیان و خداوند می‌شود. با این کفّاره همه آنچه که با گناه آدم ایجاد شده بود، پاک می‌شود و انسان به مرحله قبل از گناه اولیه باز می‌گردد

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: مفتاح و ربانی، ۱۳۹۳.



(نک: مفتاح وربانی، ۱۳۹۳).

شایان ذکر است که مفهوم «انسان» تمامی ابنای بشر را در بر می‌گیرد و هیچ استثنایی در آن راه ندارد و از همین رو، اگر در اخلاق محبت گفته می‌شود به دیگر انسان‌ها باید محبت ورزید، هیچ حد و مرزی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود.

معنا و مفهوم باید اخلاقی

باید اخلاقی در سیاق کُد اخلاقی محبت، به عالی‌ترین حد الزام در عرصه اخلاق اشاره دارد. به دیگر سخن، هنگامی که عملی اختیاری یا صفتی اختیاری در یک نظام اخلاقی به عالی‌ترین حد ضروری بودن وجود برسد، حکم اخلاقی‌ای ساخته می‌شود که در آن از مفهوم باید بکار می‌رود. با این نگاه، کُد اخلاقی محبت، دارای مفهوم باید است و بدین ترتیب عالی‌ترین درجه لزوم را با خود به همراه دارد. برای روشن‌تر شدن مفهوم باید به عبارتی از جرج ادوارد مور در این باره توجه می‌کنیم:

وقتی می‌گوییم کسی «باید» فعل خاصی را انجام دهد، یا «وظیفه» اوست که آن را انجام دهد، مقصود این است که اگر هر فعل دیگری را انجام دهد، آن فعل غلط خواهد بود و بنابراین، نظریه ما این است که در مورد «باید» و «وظیفه» می‌توانیم چیزی بگوییم که آن چیز را در مورد «درست» نمی‌توانیم بگوییم؛ به این معنا که یک فعل را فقط وقتی باید انجام داد یا فقط وقتی وظیفه ماست که بیش از هر فعل دیگری که می‌توانستیم به جای آن انجام دهیم لذت به بار آورد (مور، ۱۳۸۲: ۲۰).

باید اخلاقی، در واقع، عالی‌ترین شکل لزوم یک رفتار و یا یک صفت اختیاری است و هنگامی که این مفهوم در یک حکم اخلاقی یا کُد اخلاقی قرار گرفت، رعایت آن به شدت الزامی است و تنها در موارد خاصی که استثنای کُد اخلاقی مورد نظر هستند، مُجاز به انجام کُد اخلاقی‌ای با اولویت قوی‌تر هستند.

لوازم اجرای کُد اخلاقی محبت

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، کُد اخلاقی محبت دو بخش دارد: محبت به خداوند و محبت به دیگر انسان‌ها. هر کدام از این دو بخش، برای اجرایی شدن، مقدماتی را می‌طلبند. لازمه اصلی محبت به خدا، رعایت احکام الهی است. (... محبت که ثمره روح القدس و کمال شریعت



است، فرمان‌های خدا و مسیح او را نگاه می‌دارد: «در محبت من بمانید. اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند» (یوحنا: ۱۵، ۹-۱۰) (برن و هولدن، ۱۳۹۴: ۵۰۴).

البته، این فراز از انجیل یوحنا، هم حکایت از محبت خداوند دارد و هم به محبت انسان نسبت به خداوند دلالت دارد. اگر انسان می‌خواهد که ذیل سایه محبت الهی باقی بماند، لازم است که احکام الهی را رعایت نماید و عصیان نورزد و اگر خواهان محبت به خداوندست، باید این محبت را با رعایت احکام الهی به منصفه ظهور برساند. بنابراین، لازمه باقی ماندن در محبت خدا و همچنین محبت به خدا رعایت احکام است.

لازمه دیگر کُد اخلاقی محبت، تبعیض نگذاشتن میان انسان‌هاست. بر مبنای این کُد همان‌گونه که خداوند به همه انسان‌ها - هرچند که دشمن باشند - محبت می‌کند، از انسان هم خواسته می‌شود که محبت را بدون تبعیض به اجرا بگذارد. «... زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم بوساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن بوساطت حیات او نجات خواهیم یافت» (رومان، ۵: ۱۰).



۱۰۳

تحلیل کُد اخلاقی «محبت» در آئین کاتولیک

چالش‌های کُد اخلاقی محبت

کُد اخلاقی محبت، با چالش‌های خاص به خود مواجه است. هنگامی که در عرصه سیاست خارجی به بررسی موضوع می‌پردازیم، درمی‌یابیم که کُد اخلاقی محبت، با اصل رعایت منافع ملی که اصلی‌ترین کُد در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است به تقابل برمی‌خیزد و یا کُد اخلاقی محبت، با وظیفه اخلاقی جنگ با دشمنان خدا به تقابل می‌ایستد. اکنون، در این مقام، چگونه باید در حل این چالش‌ها تلاش کرد و این معضلات را چگونه باید پاسخ داد؟ در این فراز ابتدا به چالش محبت به دشمن توجه خواهیم کرد و در ادامه، ضمن ارائه راه حلی کلی برای چالش‌های کُد اخلاقی محبت به حل چالش محبت به دشمن می‌پردازیم.

بی‌تردید جدی‌ترین چالش برای کُد اخلاقی محبت، محبت به دشمن است. محبت به خدا و عیسی مسیح (ع)، محبت به خود و نزدیکان، محبت به همسایگان همه و همه کاملاً متعارف و قابل اجراست، اما کُد اخلاقی محبت با چالشی جدی مواجه شده و آن این‌که گستره و دایره هم‌نوع در این کُد، شامل دشمن را نیز دربر می‌گیرد و به عبارت دیگر، انسان نمی‌تواند در محبت‌ورزی، دشمن را استثنا کند و تنها به دوستان توجه کند.

خصومت و ویژگی دشمنی است. چگونه می‌شود هم خصومت داشت و هم به دشمن محبت ورزید و کُد اخلاقی محبت را رعایت کرد. در این فضا، هم نبرد با دشمن الزامی است و هم محبت به دشمن! چگونه باید در این چالش وارد و از آن با موفقیت خارج شد؟ حضرت عیسی (ع) در متی باب پنجم آورده است:

... (۴۳) شنیده‌اید که گفته شده است «همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن» (۴۴)، اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید (۴۵)... زیرا هرگاه آنانی را محبت نمایید که شما را محبت می‌نمایند، چه اجر دارید؟ آیا باجگیران چنین نمی‌کنند؟ (۴۷) و هرگاه برادران خود را فقط سلام گویند چه فضیلت دارید؟ آیا باجگیران چنین نمی‌کنند؟ (۴۸) پس شما کامل باشید، چنان‌که پدر شما که در آسمان است کامل است (متی، ۵: ۴۸-۴۳).

با داشتن این عبارت، تکلیف در جایی که دشمن دشمنی می‌کند، چیست؟ آیا واقعاً یک مسیحی باید در برابر دشمنی دشمن هیچ واکنشی نشان ندهد؟ باید در پی یافتن پاسخی به این چالش بود. مهم‌ترین مطلب در کُد اخلاقی محبت این است که این کُد اخلاقی مقدم بر همه کدهای اخلاقی در مسیحیت است، اما چرا این قدرت به کُد اخلاقی محبت داده شده است؟ آنان در پاسخ به سادگی به این موضوع اشاره می‌کنند که محبت اصلی‌ترین مشکل بشر را که گناه اصلی است، برطرف می‌سازد.

... این محبت تا به آخر است که به قربانی مسیح ارزش فدیه، جبران، کفاره و جلب رضایت می‌دهد. او به هنگام قربانی جان خود همه ما را شناخت و به ما محبت نمود. اکنون «محبت مسیح ما را فرا گرفته است؛ زیرا این را دریافتیم که یک نفر برای همه مرد پس همه مردند (دوم قرنتیان، ۵: ۱۴)... هیچ‌کس حتی مقدس‌ترین قدیسان نمی‌توانست گناهان تمام آدمیان را به دوش بکشد و خود را به عنوان قربانی از طرف همه فدا کند. وجود شخص الاهی پسر در مسیح که از همه اشخاص بشری فراتر است و در عین حال همه را در بر می‌گیرد، کسی که در رأس تمام بشر قرار می‌گیرد، قربانی رهایی بخش او از طرف همگان ممکن شمرده شده است (برن و هولدن، ۱۳۹۴: ۲۰۲).

وقتی ارزش محبت به قربانی شدن عیسی و انجام محبت با تمام وجود است، دیگر در تعارض با هر اصل و قاعده دیگری این کُد اخلاقی محبت است که غالب خواهد بود.

در چالش کُد اخلاقی محبت با رفتار با دشمن، قطعاً اخلاق محبت مقدم است؛ اما اعمال محبت به اشکال و راه‌های گوناگون به انجام می‌رسد. با عفو و گذشت، احسان و بخشش، رفع حاجت دشمن، طلب برکت، صبر در برابر دشمن، قرض دادن به دشمن، تکلم به کلام نیکو با دشمن و تحمل رنج حاصل از دشمن، محبت به دشمن تحقق می‌یابد. با این حال، از جنبه رفتاری نیز باید به دشمن محبت کرد؛ اگر بیمار است در جهت شفا و درمانش کوشید و اگر گناهی مرتکب شده باید او را توبه داد، در برابر دشمن به پند و نصیحت اقدام نمود، لازم است برای دشمن دعا کنیم و به هنگام غلبه بر دشمن باید از سر ترحم با او برخورد کرد (قری، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۱۱۵).

پرسش و چالش دیگر این است که چگونه با وجود مقتدرانه کُد اخلاقی محبت، امر به جنگ و قتال نیز در مسیحیت وجود دارد؟ یکی از مشهورترین پاسخ‌ها به این تعارض را می‌توان در آثار آگوستین یافت. به اعتقاد وی، وقتی خداوند به ما فرمان محبت می‌دهد، در واقع، از ما می‌خواهد که حتی در هنگام جنگ روحی مهرورز و با محبت داشته باشیم؛ زیرا خداوند هم به آنها محبت می‌کند و حتی آفتاب خود را از آنان دریغ نمی‌کند (آگوستین، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۱). به بیان دیگر، نباید در محبت‌ورزی به اعمال ظاهری اقدام کنیم و باطنمان با محبت نباشد. وقتی با دشمن مواجه می‌شویم، لازم است حتی جنگ و کشتار آنان از روی محبت باشد و نه عداوت و کینه (هولمز، ۱۳۸۵: ۱۷۵). این شکل ظاهری اعمال نیست که درستی یا خطایی آن را تعیین می‌کند؛ بلکه نیت و انگیزه‌ای که در ورای شکل ظاهری قرر گرفته است، کیفیت آن را تعیین می‌کند.

تحلیل و بررسی کُد اخلاقی محبت

اولین مطلبی که در باب تحلیل کُد اخلاقی محبت در آئین کاتولیک باید خاطر نشان ساخت این است که این کُد در مسیحیت کاتولیک به صورت پراکنده و متفرق مورد بحث قرار گرفته است و برای نقد و بررسی آن ضروری بود تا ابتدا آن را به شکلی سامان‌مند، تبیین کرد و سپس به تحلیل و نقد آن پرداخت. بر این اساس، تدوین و تقریر کُد اخلاقی محبت، گامی تحلیلی در اخلاق مسیحی است و این مهم در راه بررسی این کد ضرورتی دوچندان داشت.

با تبیینی که از کُد اخلاقی محبت ارائه شد، این کُد یک فضیلت الهیاتی است که خداوند متعال از روی فیض و لطف خود به برخی از آدمیان عطا فرموده است. به بیانی دیگر، این فضیلت و به تعبیری، اراده بر رعایت این کُد اخلاقی، یک موهبت الهی است که هر کسی لایق داشتن آن نیست و تنها افرادی خاص و با داشتن شرایطی خاص واجد آن می‌شوند. در نگاه



مسیحیت، آدمی دارای هفت فضیلت است: سه فضیلت الهیاتی (ایمان، امید، محبت) و چهار فضیلت انسانی (مصلحت‌اندیشی، بردباری، اعتدال، عدالت). ریشه اولیه این دیدگاه در اندیشه‌های آگوستین دیده می‌شود، ولی اصل و اساس این نظریه از توماس آکویناس است (فرانکا، ۱۳۷۶: ۱۴۳). نکته مهم و اساسی این است که آیا با وجود موهبتی بودن فضیلت محبت، جایی برای اخلاقی بودن آن وجود دارد؟ روشن است تنها زمانی می‌توان از ارزش اخلاقی رفتار یا صفتی سخن گفت که آن رفتار یا صفت، ارادی و اختیاری باشد. گنجاندن فضیلت محبت و رعایت کُد اخلاقی محبت در جایگاه فضایل الهیاتی و موهبتی، در حقیقت، خارج کردن آن از عرصه اخلاق است.

اخلاق، تنظیم‌کننده روابط افراد با خداوند متعال، خود، دیگران و محیط زیست است. کُد اخلاقی محبت، تا حد زیادی به سه مورد نخست توجه نشان داده است؛ اما درباره توجه و محبت به محیط زیست در آثار پایه‌گذاران این کُد و نیز نسل‌های بعدی مسیحیت کاتولیک، نشانه‌های بسیار اندکی دیده می‌شود. با در نظر گرفتن پیشینه این کُد، حیوانات خارج از حوزه شمول این کُد قرار گرفته‌اند و به‌گونه‌ای اساساً خارج از حوزه اخلاق مسیحی تلقی شده‌اند. البته، در آثار علمای جدید مسیحی می‌توان نشانه‌های از دیدگاه مسیحیت در باب محبت به حیوانات یافت. پرسش مهم و اساسی دیگر این است که آیا اساساً امکان محبت آگاهانه‌ای وجود دارد؟ آیا فرض این که شخص انسانی با تمام اهداف و امیال و آرزوهایی که دارد، در مقام عمل به‌گونه‌ای رفتار کند که هیچ هدف و میل شخصی را لحاظ نکند، فرض درستی است؟ انسان‌ها در درون خویش فطرت کمال‌جویی را واجدند و این فطرت آنها را به سوی اعمال و رفتاری سوق می‌دهد که برایشان کمالی در خور به ارمغان می‌آورد. اکنون، کُد اخلاقی محبت، جویای محبت آگاهانه‌ای است؛ محبتی که هر گونه منفعت و سود شخص عامل را ضربه به محبت در نظر می‌گیرد. بر اساس آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد» (سوره انشاق، آیه ۶)، آدمی در حال تلاش است تا به یک نقطه مطلوب برسد و این که انسان کاری را بدون در نظر گرفتن محصول و نتیجه آن انجام دهد، دور از عقل است.

محبت آگاهانه‌ای، دایره افرادی را که کُد اخلاقی محبت را رعایت می‌کنند، در حد افراد قدیس تنگ و محدود می‌سازد. یک کُد اخلاقی، هر قدر هم که با ارزش باشد، هنگامی که رعایت آن ناممکن یا دشوار است، از قدر و ارزش آن کاسته شده و در حد یک اصل نظری تنزل پیدا

می‌کند. یک اصل یا قاعده اخلاقی وقتی با ارزش است که در تمام موارد مشابه قابل تعمیم باشد و از آن در انجام رفتار صحیح یا داشتن اوصاف موجه بهره گرفته شود.

گُذ اخلاقی محبت، قدرت و قوت خود را از یک مبنای انسان‌شناختی و یک آموزه مسیحی با نام «گناه اصلی» اخذ کرده است. در این مبنا، بواسطه عصیان و گناهی که آدم ابوالبشر مرتکب شد هم از بهشت عدن رانده شد و هم گناه و ناپاکی در نسل وی قرار داده شد. این گناه، بقدری عظیم است که در توان انسان نیست که آن را تطهیر و بازخیرد کند. در این هنگام، خداوند و عیسی مسیح از سر عشق و محبت خود به انسان، بازخیرد گناه آدم را برعهده گرفتند و حضرت عیسی (ع) این مأموریت را به بهترین شکل انجام داد. این فرایند، مبنای شکل گرفتن اصل محبت در اخلاق مسیحی گردید. اکنون باید توجه داشت که بحث گناه اصلی در آدم و نسل وی، موضوعی نیست که از سوی همه پذیرفته شده باشد. این ایده توسط پولس وارد مسیحیت شده و به دست آگوستین به شکل یک نظریه در آمد. این دیدگاه را خود مسیح مورد اشاره قرار نداده و اساساً توجیه عقلانی در کنار آن قرار نگرفته است. به دیگر سخن، اولاً باید خود حضرت مسیح (ع) به این موضوع در زمان نبوت خویش اذعان می‌فرمود و افزون بر این، هیچ عقل سلیمی تشبیه فرزند به دلیل گناه پدر و مادر را نمی‌پذیرد. بنا بر آموزه‌های اسلامی و قرآنی، اعمال و رفتار خود آدمی است که گناه و ثواب برایش می‌سازد و هنگام تولد با خود گناه به همراه ندارد «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ * كِرَامًا كَاتِبِينَ * يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ * إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ * يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ * وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ * وَبِشَكِّ نَظَائِرِنَا بَرَّ شِمَا كَمَا كَانَتْ» شده... * والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما) * که می‌دانند شما چه می‌کنید! * به یقین نیکان در نعمتی فراوانند * و بدکاران در دوزخند * روز جزا وارد آن می‌شوند و می‌سوزند * و آنان هرگز از آن غایب و دور نیستند! (سوره انفطار، آیه ۱۰-۱۶). این رفتار خود آدمیان است که مورد محاسبه قرار می‌گیرد و بر اساس آن پاداش و کیفر داده می‌شود و نه رفتار آبا و اجداد انسان.

ایده تثلیث نیز یکی از مبانی الهیاتی گُذ اخلاقی محبت است. در این مجال وارد تاریخ ساخته و پرداخته شدن این ایده نمی‌شویم؛ اما به این نکته اشاره می‌کنیم که تثلیث در نگاه مسیحیان یک راز ناگشودنی است که عقل بشر قدرت درک و فهم آن را ندارد (نک: حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۶: ۲۸۰-۲۸۸) و پرسش جدی این است که چگونه یک راز غیر قابل حل، ظرفیت مبنا قرار گرفتن برای چنین اصل مهم و اساسی در یک نظام اخلاقی را دارد؟

از فواید و مزایای گُذ اخلاقی محبت شادی، صلح و بخشایش معرفی شده است. با محبت



انسان‌ها از غم و اندوه‌رهایی پیدا می‌کنند و شادی در دل آنها جایگزین می‌شود. نزاع‌ها خاتمه یافته و صلح در میان افراد، اقوام و ملل جاری می‌شود و با محبت عفو و بخشش میان انسان‌ها گسترش می‌یابد، اما آیا این مطلب درست است؟ با محبتی که معنای آگاه‌ای دارد آیا واقعاً در جهان صلح برقرار می‌شود؟ دنیای آدمیان، دنیای فرشتگان معصوم نیست. در این دنیا، افراد فرصت طلب و سودجو به وفور یافت می‌شوند؛ به گونه‌ای که اگر گونه‌دیگر را به سمت آنان بگیریم از نواختن سیلی دوم ابایی به خود راه نمی‌دهند. آیا با وجود انسان‌های خطرناک و بدخواه، جایی برای این تفسیر از اصل محبت باقی می‌ماند؟ این اصل با این نگاه، خودش را ناپدید می‌سازد. قرآن کریم رفتار با دیگران را براساس این که اهل ایمان باشند یا کافر، متفاوت در نظر می‌گیرد و می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند» (سوره فتح، آیه ۲۹).

در نهایت، خاطرنشان می‌سازم که این کُد اخلاقی با این کیفیت در جهان مسیحیت و دنیای کاتولیک در کمترین حد و میزان مورد عمل قرار گرفته است. در دوره‌های مختلف، موارد بسیار اندکی از عمل به این کُد اخلاقی دیده می‌شود و اگر هم اصل محبت مورد توجه قرار می‌گیرد، نگاه منفعت‌جویانه در آن قدرت و قوتی مثال زدنی دارد. شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که در آن‌ها مسیحیت و پیروان آئین کاتولیک خلاف کُد محبت عمل کرده‌اند و آن را به شدت نقض کرده‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کُد اخلاقی دستور العمل اجرایی یک اصل یا قاعده اخلاقی است. شاید در حالت عادی، اجرای یک اصل یا قاعده اخلاقی، ساده به نظر آید، اما با کمی دقت‌گره‌ها و ابهامات آن در مرحله عمل رخ می‌نماید و کار را برای رعایت آن دشوار می‌سازد. تدوین کُد اخلاقی، به معنای مذکور، نیازمند تتبع در منابع معرفت اخلاقی در ادیان، آئین‌ها، اقوام، ملل و... است. نوشتار حاضر در گام نخست، با مراجعه به منابع معرفت اخلاقی در آئین کاتولیک به طرح و تبیین کُد اخلاقی محبت در مسیحیت کاتولیک اقدام کرد و در گام دوم به نقد و بررسی آن پرداخت.

این کُد در عالم مسیحیت از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و به عنوان اصلی‌ترین کُد اخلاقی همواره در خور توجه و تحلیل بوده است. البته، در کنار اصل محبت دو اصل دیگر هم قرار دارد

با عنوان فضیلت ایمان و فضیلت امید که هر سه را با عنوان فضایل الهیاتی در مسیحیت به ویژه مسیحیت کاتولیک معرفی کرده‌اند.

بنا به اعتقاد مسیحیت کاتولیک، رعایت اخلاق و اساس آن که کُد اخلاقی محبت است، این پاداش را دارد که انسان از یک برده تبدیل به فرزند خدا می‌شود. همچنین از فواید و مزایای کُد اخلاقی محبت، شادی، صلح و بخشایش معرفی شده است و با محبت است که انسان‌ها از غم و اندوه رهایی پیدا می‌کنند و شادی در دل آنها جایگزین می‌شود و صلح میان اقوام و ملل جاری می‌شود. جدی‌ترین چالش برای اصل اخلاقی محبت، محبت به دشمن است. افزون بر این، تنها زمانی می‌توان از ارزش اخلاقی رفتار یا صفتی سخن گفت که ارادی و اختیاری باشد بر این اساس و با فرض موهبتی بودن فضیلت محبت، آیا جایی برای اخلاقی بودن آن وجود دارد؟ دربارهٔ توجه و محبت به محیط زیست در آثار پایه‌گذاران این کُد و نیز نسل‌های بعدی آنان نشانه‌های بسیار اندکی دیده می‌شود. آیا فرض این که شخصی انسانی با تمام اهداف و امیال و آرزوهایی که دارد، در مقام عمل به گونه‌ای رفتار کند که هیچ هدف و میل شخصی را لحاظ کند، فرض درستی است؟ محبت آگاهانه‌ای، دایرهٔ افرادی را که کُد اخلاقی محبت را رعایت می‌کنند، در حد افراد قدیس تنگ و محدود می‌سازد.

کُد اخلاقی محبت، بر برخی مبنای خاص الهیاتی و انسان‌شناسانه و همچنین مبانی و آموزه‌های مسیحی همچون گناه اصلی و ایدهٔ تثلیث مبتنی و متکی است که محل تردیداند. این کُد اخلاقی با این کیفیت در جهان مسیحیت و دنیای کاتولیک در کمترین حد و میزان مورد عمل قرار گرفته است. در دوران‌های مختلف، موارد بسیار اندکی از عمل به این کُد اخلاقی دید می‌شود و اغلب اگر هم اصل محبت مورد نظر قرار می‌گیرد، نگاه منفعت‌جویانه در آن قدرت و قوتی مثال زدنی دارد.

در پایان به این نکته اشاره می‌کنیم که در قالب کُد اخلاقی در آوردن اصول و قواعد اخلاقی، راه را برای بررسی دقیق‌تر آنها باز می‌کند و این اثر، به عنوان یک ایده و طرح، کُد اخلاقی محبت را در قالب کُد قرار داد. البته، لازم به ذکر است که قالب و ساختار کُد اخلاقی نیز ایده‌ای است که می‌تواند برای سامان دادن به دیگر اصول و قواعد اخلاقی راه‌گشا باشد. همچنین بر اساس مطالب پیش گفته، می‌توان گفت که کُد اخلاقی محبت در آئین کاتولیک، هم در مقام نظر و هم در مقام عمل، مشکلات بسیار دارد و پیروان آئین کاتولیک باید بدان‌ها توجه کافی داشته باشند.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

- برن، پیتر؛ هولدن، جیمز لسلی. (۱۳۹۴). تعالیم کلیسای کاتولیک. (ترجمه: احمد رضا مفتاح؛ سلیمانی، حسین و قنبری، حسن). قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- آگوستین. (۱۳۹۱). شهر خدا. حسین توفیقی. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- برانتل، جورج. (۱۳۸۱). آئین کاتولیک. حسن قنبری. قم: مرکز تحقیقات و مطالعات ادیان.
- حسینی قلعه بهمن، سید اکبر. (۱۳۹۶). الهیات تطبیقی: حقیقت غائی در ادیان. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حسینی قلعه بهمن، سید اکبر. (زمستان ۱۳۹۴). تحلیلی بر نظام اخلاقی در ادیان. معرفت ادیان. ۲۵ (۷)، ۱۱۴-۱۳۱.
- فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۷۶). فلسفه اخلاق. (ترجمه: هادی صادقی). قم: نشر طه.
- قزی، رضا. (۱۳۹۳). محبت به دشمن از دیدگاه شیعه و کاتولیک. پایان نامه کارشناسی ارشد. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- کتاب مقدس.
- گنسلر، هری جی. (۱۳۸۵). درآمدی جدید به فلسفه اخلاق. (ترجمه: حمیده بحرینی). تهران: آسمان خیال.
- مفتاح، احمد رضا؛ ربانی، محسن. (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). مقایسه مفهوم فدیة از نظر مسیحیت و شفاعت از نظر شیعه. الهیات تطبیقی. ۱۶۰-۱۴۳، (۱۲)۵.
- مک گراث، آلیستر. (۱۳۸۱). درسنامه الهیات مسیحی. (ترجمه: بهروز حدادی). قم: مرکز تحقیقات و مطالعات ادیان.
- مور، جرج ادوارد. (۱۳۸۲). اخلاق. (ترجمه: اسماعیل سعادت). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۵). مبانی فلسفه اخلاق. (ترجمه: مسعود علیا). تهران: ققنوس.
- Carmody, D. L. & Carmody, J. (1983). *Religion, the great questions*. Seabury Press.
- Hauerwas, S. & Wells, S. (Eds.). (2011). *The Blackwell Companion to Christian Ethics* (1 ed.). Malden, Mass: Wiley-Blackwell.
- Kierkegaard, S. (2003). *Works of Love: Kierkegaard's Writings*, Vol 16 (Howard V. Hong & Edna H., (Trans.) Princeton: New Jersey, Princeton University Press.
- Saint Augustine. (2003). *The Confessions of Saint Augustine*, ICON Classics, 2005, United States of America.
- Weaver, D. F. (2003). *Self Love and Christian Ethics*. Cambridge, U.K. ; New York: Cambridge University Press.



۱۱۰